

شریعت، حکومت اسلامی و حقوق بشر

گفتار دوم

زایش ایده شریعت

مهدی خلجی

و قولوا آمنا بالذی أنزلَ الینا و أنزلَ الیکم و الہنا و الہکم واحد و
نحن له مسلمون

(خطاب به مسلمانان: به اهل کتاب، یهودیان و مسیحیان)
بگوئید: به آن چه بر ما نازل شده و آن چه بر شما نازل شده است
ایمان آورده ایم و خدای ما و خدای شما یکی است و ما در برابر
او تسلیم هستیم

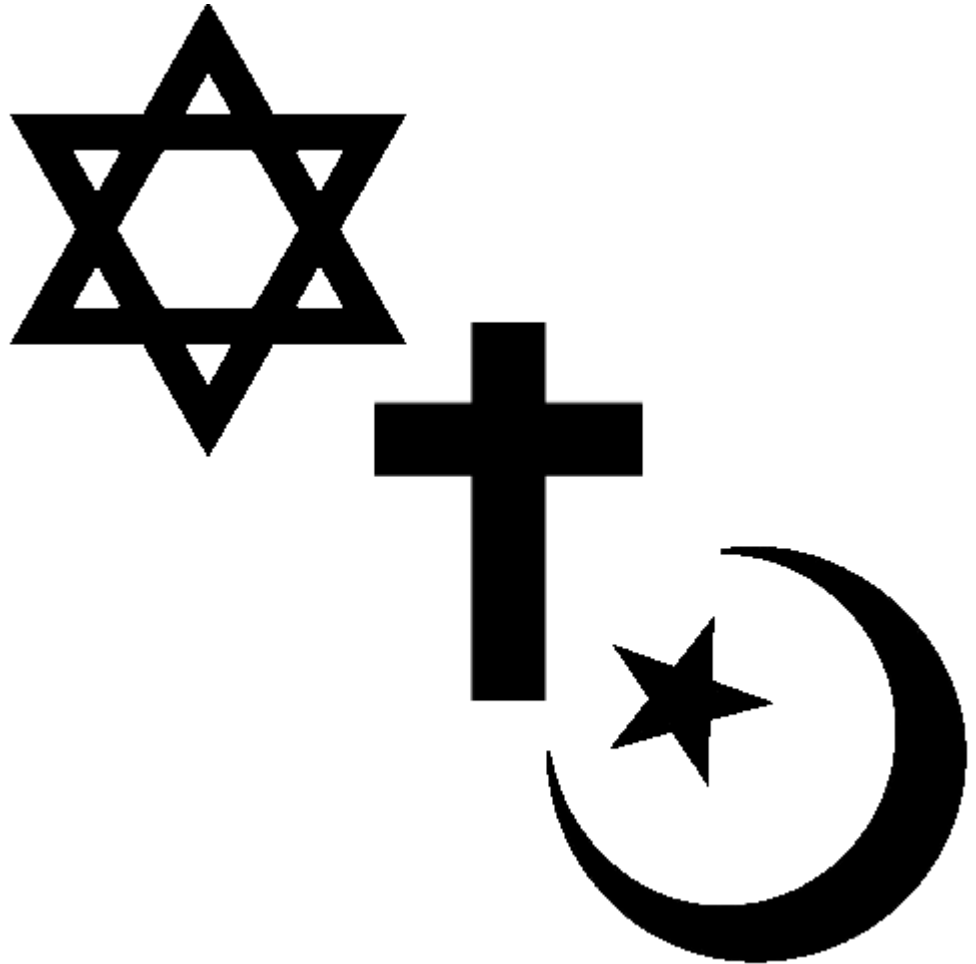
سورہی عنکبوت، آیہی ۴۶

تفاوت خدایان:

یهودیت: یهوه؛ یهودیت نه دینی
از ادیان که تعالیم و فرمان‌هایی
ناشی از رابطه‌ی یهوه و قوم
اسرائیل است

مسیحیت: عیسی، کلمه‌ی الاهی،
لوگوس، فرزند، تجسد خدا

اسلام: الله



جاهليت: گست يا تداوم
منطقه‌ی تمدنی بین النهرین





اعتقاد عرب‌ها در دوران جاهلیت:

۱. اعتقاد به خدای واحد و خالق، ایمان به روز رستاخیر و داوری. این اعتقاد در دوران «فترت» (میان دو پیامبر، عیسی و محمد) با افرادی که مردم را به توجه به نشانه‌ها (آیات) دعوت می‌کردند، احیا شد.
۲. اعتقاد به خالق و روز رستاخیر، ولی نه به پیامبران. اعتقادی همراه با آیین مربوط به بتان چون حج و احرام و قربانی
۳. اعتقاد به خالق ولی نه به پیامبران نه به روز رستاخیر، تقدیرگرایی مطلق (قول اهل الدهر)
۴. اعتقاد به دین یهودیت یا مسیحیت از جمله در اشکال بدعت‌آمیزش (مثل باور به این که فرشتگان دختران خداوند هستند و آیین‌های مربوط به آن) جز نوع اول و همچنین اعتقادات غیربدعت‌آمیز یهودیان و مسیحیان باقی این اعتقادات در قرآن ذکر شده است.

تداوم ایدئولوژیک جهان سامی طی بیست قرن از متن‌های کهن بین‌النهرین تا کتاب مقدس و قرآن

در این جهان، قدرت سیاسی نقشی کانونی و بنیادی دارد. سلطه و چیرگی (domination) سرچشمه‌ی تقدس (sacralité) است.

در دوران اولیه، خدا به صاحب مطلق قدرت بدل می‌شود. در دوره‌ی ثانویه، نهاد پادشاهی بر روی زمین نازل می‌شود. در نتیجه تقدس به سادگی به سازمانی بر روی زمین تقلیل می‌یابد، به سلسله مراتب. در نتیجه میان امر آسمانی و امر زمینی تضادی وجود ندارد چون هر دو را یک حاکم اداره می‌کند؛ ولی جابه‌جایی در ارزش‌ها و خصایل انسانی رخ می‌دهد: این خصایل به آسمان فرافکنی می‌شود و در عوض الوهیت نیز به قدرت زمینی انسان‌ها انتقال می‌یابد در عین آن‌که انسان‌های زمینی صاحب قدرت هم‌چنان در مقام فروتری از آسمان قرار دارند.

در نتیجه، آیین دینی باید بتواند مراتب عبودیت انسان و موقعیت بندگی او را نشان دهد و به طور مستمر میثاق بندگی او را با ارباب/مولای الهی تجدید کند. از جانب آدمی، این آیین باید نشانه‌ی تسلیم و خشیت او باشد و از جانب مولای الهی باید آیت جلال و جباری و قهاری و مهمنی و مقتدری او باشد.

خدای اسلام «حاکم» و «مالک» است

مالک الملک

و لله ما فی السموات و الارض

الله، تشخص (personification) حاکمیت دولت است. درآمد دولت در فرهنگ اسلامی «مال الله» نامیده می شده است. وَالَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَأَتَوْهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ

الله قادر مطلق است. عهد عتیق (سفر پیدایش) و عهد جدید (انجیل متی و لوقا) خدا را قادر مطلق می خوانند. در مسیحیت قادر مطلق بودن شکلی از پدری است. این پدر - خدای مسیحی - است که قادر مطلق است و قدرت مطلق او هیچ غایتی جز اثبات پدرانگی او را ندارد. خدا می تواند - بدون استثنا - همه ی چیزها را فراخواند تا به ملکوت او درآیند. خدا می تواند سراسر اقتصاد رستگاری را چنان بسیج کند که همه ی آفریدگان دریابند که با ورود به ملکوت خدا و وابستگی به او می توانند از آن بهره مند شوند.

الله پدر نیست و قادر مطلق بودن او معنای دیگری دارد. قدرت او بیشتر در توانایی برای ویران کردن تجلی می یابد. در قرآن، قدرت خدا در روی زمین مستقر است و در پیچیدن با آن یعنی قصد محدود کردن آن. اراده ی خدا باید تحقق یابد، بر روی زمین و در آسمان. در مسیحیت اراده ی پدر تحقق می یابد به این معنا که «اراده ی تو متحقق خواهد شد» یعنی «اراده ی خود را متحقق کن». در اسلام برای تحقق اراده ی الهی باید آن اراده در زمین مستقر شود با عبودیت پیامبر و مومنان. نفی آن اراده یعنی تلاش برای سلب قدرت خدا. قدرت مطلق الهی، از طریق حکومتی زمینی تحقق می یابد که استفاده از زور را مشروعیت می بخشد. «لااکراه فی الدین» نفی استفاده از زور نیست، حاکی از پذیرش یک واقعیت است. هم چنین، این آیه درباره ی مسلمان شدن صادق است نه ترک اسلام.

«ظلم» در قرآن مربوط به رهبران شریر است که نسبت به خدا ستم می کنند. فرعون از دستور الله سرپیچی کرده. ظلم در نسبت حاکم و رعیت تعریف نمی شود. مانند کتاب مقدس، خدا برای رهایی مردم از خشونت حاکم به نجات آن ها نمی آید. رابطه ی انسان با هم نوع اش در قرآن رابطه ای سیاسی است: سلطه گر و تحت سلطه.

خدا و انسان

قرآن: وعلم آدم الأسماء كلها

«و خداوند خدا، هر حیوان صحرا و هر پرنده‌ی آسمان را از زمین سرشت و نزد آدم آورد تا ببیند که چه نام خواهد نهاد و آنچه آدم هر ذی‌حیات را خواند، همان نام او شد. پس آدم همه‌ی بهائم و پرندگان آسمان و همه‌ی حیوانات صحرا را نام نهاد.»
سفر پیدایش، ۲ - ۱۹/۲۰

مشروعیت اقتدار

دینی

الله



محمد (سریچی از دستور محمد
سریچی از دستور خداست.)



اولوالامر

هم محتوای اطاعت مبهم است هم مصداق
اولوالامر

نوع حکومت هم در قرآن مشخص نشده. ایده
اصلی قرآن، اعمال قدرت سیاسی از طریق خود
الله است.

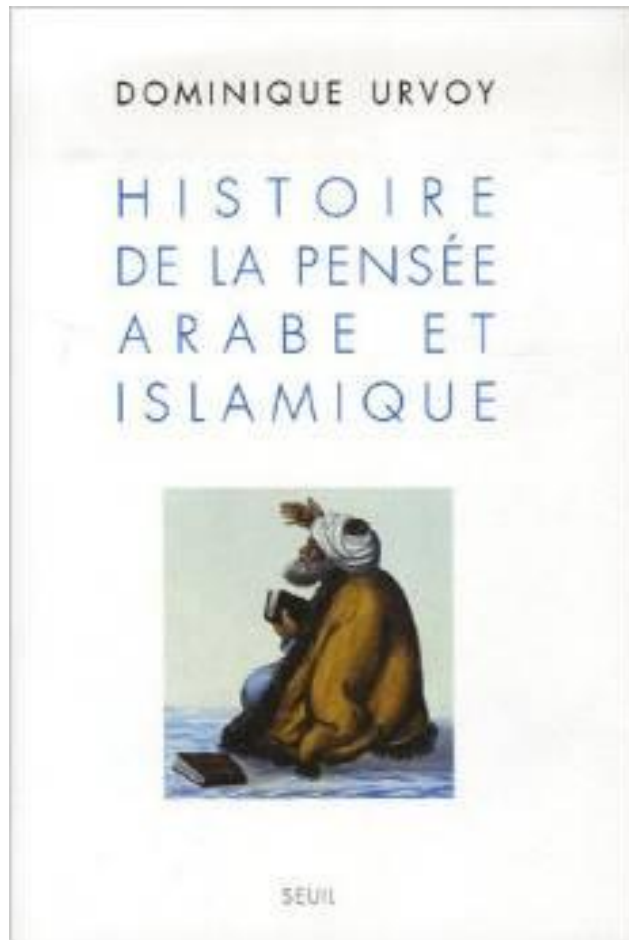
قانون در سه دین توحیدی

یهودیت: قانون بدون دولت

قانون شالوده‌ی حفظ انسجام قوم اسرائیل.
یهودیان طی جز به شکل استثنایی دولت تشکیل
ندادند و بنابراین قدرت سیاسی نداشتند. قانون
موسی قانون دولت نبود و در نتیجه ضمانت
اجرائی دولت را نداشت. خانواده و جماعت
مجری آن بودند و به همین دلیل تنها بن‌مایه‌ی
هویت یهودی بود.

مسیحیت: چندگانگی و ناهمسازی قانون

اسلام: حکومت قانون



حقوق معنوی

- اختصاص - این مطلب به پروژه توانا مربوط به سازمان E-Collaborative for Civic Education اختصاص دارد و استفاده از آن می بایست با ذکر نام سازمان تهیه کننده انجام شود.
- غیر تجاری - این مطلب برای استفاده های غیر تجاری می باشد و برای هیچ گونه منفعتی بهره برداری نخواهد شد.
- اشتراک - اگر می خواهید هر گونه تغییری در مطلب وارد کنید، شما می توانید حاصل کار را تنها تحت مجوز E-Collaborative for Civic Education منتشر کنید و برای ایجاد بدنه اصلی اطلاعات، این تغییرات را باید با E-Collaborative for Civic Education به اشتراک گذارید.

